

اعلام کرده بود که از امروز درس خودم را ادامه نمی‌دهم، چون فردی آمده است که بهتر از من می‌تواند آن را انجام بدهد. این پذیرش عمومی، البته سبب اقتدار روحانیت در دوره فشارهای مضاعف رژیم پهلوی شد و آیت‌الله العظمی میلانی توانست با اتکال به آن، امتیازات مهمی برای حوزه بگیرد. این ویژگی‌ها باعث می‌شد که آیت‌الله العظمی میلانی در فهم مسائل سیاسی نیز، نگاه دقیق و ساختاری داشته باشد.

■ می‌دانیم که آن مرحوم هیچ‌گاه با رژیم پهلوی از در سازش و همکاری وارد نشد. اما در همان حال شاهد کمتر شدن تعامل آن مرحوم با جریان نهضت اسلامی، در اواخر عمر هستیم. در این باره چه نظری دارید؟

به اعتقاد من موضوعی که در رابطه با نوع تعامل آیت‌الله العظمی میلانی با نهضت مورد اشاره قرار دادید را باید نوعی «تقسیم کار» بدانیم. حوزه علمیه مشهد، در زمان او، بیش از یک سوم طلاب حوزه‌های علمیه ایران را در خود جا داده بود. مسئولیت اداره چنین مجموعه عظیمی، مسئولیتی بسیار سنگین به حساب می‌آمد. تعداد طلاب در زمان حیات آیت‌الله العظمی میلانی به دو تا سه برابر افزایش یافت و همه اینها تحت برنامه‌های آموزشی ایشان بود. پرداخت شهریه هم به «امتحان دادن» طلاب بستگی داشت؛ یعنی ایشان می‌خواست حوزه با سواد، منظم و دارای ساختار آموزشی دقیق باشد. طبیعتاً چنین برنامه‌ریزی گسترده‌ای زمان و تمرکز بسیار زیادی را می‌طلبید. از طرفی، برخی از افراد منتسب به جریان‌های سیاسی گاه به سراغ ایشان می‌آمدند و از آیت‌الله العظمی میلانی فتواهایی می‌خواستند که مناسب نبود و او هم صادر نکرد. اما این اقدامات، هیچ تأثیری بر مواضع سیاسی او نداشت. آیت‌الله میلانی به هیچ وجه از مواضع سیاسی اصولی خود عدول نکرد و این مسئله در بیان و مکاتبات وی نیز، بازتابی نیافت. یعنی شما نمی‌توانید از آن مرحوم خط یا صحبتی درباره انکار حقانیت نهضت یا وارد آوردن تهمت به آن پیدا کنید. از نظر تقسیم کار، آیت‌الله العظمی میلانی وقتی کسی را شایسته‌تر برای رهبری نهضت و جهان اسلام می‌دانست - مانند امام خمینی (ره) - ضرورتی نمی‌دید که خودش در همه میدان‌ها حضور مستقیم داشته باشد. این نگاه کاملاً سیستمی بود؛ یعنی هر کس در جایگاه مناسب خود فعالیت می‌کرد. آیت‌الله العظمی میلانی باید برنامه‌های حوزه را پیش می‌برد. لازمه این کار آن بود که در برخی بخش‌ها جلوه‌گری نکند تا برنامه



بلندمدت حوزوی‌اش آسیب نبیند. اشاره کردم که در همان حال، آیت‌الله العظمی میلانی نسبت به موضع‌گیری‌های امام خمینی (ره) هیچ وقت تغییر رویه نداد و ابدا چنین اتفاقی رقم نخورد.

■ یعنی شما معتقدید نقشی که آیت‌الله العظمی میلانی در این دوره داشت، شبیه نقش مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری در دوره رضاشاه بود؟

بله، دقیقاً. با این تفاوت که درباره حوزه مشهد، این موضوع کاملاً روشن است. اما درباره جریان‌های انقلابی نیز باید به یک نکته مهم توجه داشته باشیم؛ بخش قابل توجهی از نیروهای مؤثر در

انقلاب از شاگردان مستقیم آیت‌الله العظمی میلانی بودند؛ از جمله بسیاری از خراسانی‌هایی که در جریان نهضت امام خمینی (ره) نقش بارزی ایفا کردند. این نکته بسیار مهم است. حتی امروز نیز شخصیت آیت‌الله العظمی میلانی نزد بزرگان انقلاب مورد توجه و تقدیر است. این امر نشان می‌دهد که وی کاملاً بر اساس مبانی فکری خود، «تقسیم کار» را پذیرفته بود و توانست در حوزه برنامه‌ریزی کند و موفقیت‌های بزرگی به دست آورد، بدون اینکه در اصل حمایت از نهضت اسلامی تردیدی داشته باشد و یا از نظراتش در مراحل اولیه عدول کند.

چکیده مطلب: در گفت‌وگو با دکتر غلامرضا جلالی، پژوهشگر تاریخ معاصر، به بررسی ابعاد حیات فکری، سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی پرداخته‌ایم. دکتر جلالی با استناد به اسناد تاریخی، خاطرات معتبر و تجربه‌های پژوهشی خود، نشان می‌دهد که آیت‌الله العظمی میلانی شخصیتی چندساحتی، ساختارمند و آگاه به زمانه بود و نقش او در تحولات سیاسی و فرهنگی مشهد و ایران بسیار فراتر از تصویرهای معمول است. در این گفت‌وگو به موضوعاتی مانند حمایت آیت‌الله العظمی میلانی از جریان‌های ملی و اسلامی، تعامل او با نهادهای دانشگاهی، شیوه مدیریتی‌اش در حوزه مشهد، رابطه‌اش با امام خمینی (ره) و تأثیر استادانش بر مشی سیاسی و تقریبی وی، پرداخته شده است. ضمن این بررسی‌ها روشن می‌شود که نگاه سیستمی و مبتنی بر «تقسیم کار» او، مرجعیت را به جایگاهی تازه رساند و حوزه علمیه مشهد را به یکی از مراکز اثرگذار جهان تشیع تبدیل کرد.